

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ ۚ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۚ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا
دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
فِيُصِيبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَ
يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُؤَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا
خٰسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ
عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
وَ رَسُولُهُ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رٰكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ
وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغٰلِبُونَ ﴿٥٦﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را ولی [یاور و تکیه‌گاه] خود مگیرید؛ زیرا آنان با وجود اینکه باهم اختلاف دارند در برابر شما با یکدیگر همدل‌اند و هرکس از شما آنان را به دوستی گیرد، قطعاً در زمرهٔ آنان به شمار می‌آید و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند. ۵۱

می‌بینی آنان که در دل‌هایشان بیماری [شک و تردید] است، برای دوستی با آنان شتاب می‌ورزند و به دروغ می‌گویند: می‌ترسیم گزندی به ما برسد [و به باری آنان نیازمند شویم]. امید است خداوند [به نفع مؤمنان] پیروزی پدید آورد، یا امر دیگری پیش آورد، تا [در نتیجه، آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند، پشیمان شوند. ۵۲

و مؤمنان می‌گویند: [آیا این یهودیان و مسیحیان] همان‌هایی بودند که شدیدترین سوگندها را می‌خوردند که با شما هستند؟! [پس چرا امروز سودی به حال شما نداشتند؟] کارها و اعمال منافقان باطل و بیهوده شد و زیانکار گشتند. ۵۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، بداند که به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، ولی در برابر کافران، مقتدر و پیروزند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و در کارهایشان از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای بیم ندارند. این فضل و بخشش خداست به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست. ۵۴

همانا که ولیّ شما، فقط خداوند و رسول او و کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند؛ همان ایمان آورندگانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. ۵۵

و هر کس خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آورده به ولایت و سرپرستی خود بپذیرد [پیروز است؛ زیرا] تنها حزب خدا پیروزمندند. ۵۶



درس پنجم

امامت، تداوم رسالت



از آنجا که قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است، این سؤالات مطرح می‌شود که:

- طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رسول خدا ﷺ چیست؟
- این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟
- بعد از پیامبر اسلام ﷺ رهبری مسلمانان برعهده چه کسانی باید قرار بگیرد؟
- چرا ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز همچون پیامبر اکرم ﷺ معصوم از گناه هستند؟

برای رسیدن به پاسخ سؤالاتی که در ابتدای درس طرح شد، قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان مسئولیت‌های پیامبر کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد؟

در میان مسئولیت‌های سه‌گانه رسول خدا ﷺ، مسئولیت اول، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم، با ختم نبوت پایان می‌پذیرد و کتاب قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و نیازی به آوردن کتاب جدیدی نیست. اما دو مسئولیت دیگر، یعنی «تعلیم و تبیین دین (مرجعیت دینی)» و «ولایت ظاهری»، پس از ایشان چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

در این زمینه سه فرض مطرح است:

۱- قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ در این باره سکوت کرده‌اند؛

۲- همچون مسئولیت اول، پایان این دو مسئولیت را نیز اعلام نموده‌اند؛

۳- جانشین را تعیین نموده و دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین» و «ولایت ظاهری» را بر عهده وی

قرار داده‌اند.

● **بطان فرض اول روشن است؛** زیرا قرآن کریم، هدایتگر مردم در همه امور زندگی است و ممکن نیست نسبت به این دو مسئولیت مهم که به شدت در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیرگذار است بی‌تفاوت باشد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ آگاه‌ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسئولیت‌هاست و نمی‌تواند از کنار چنین مسئله مهمی با سکوت و بی‌توجهی بگذرد. در حقیقت، بی‌توجهی به این مسئله بزرگ، خود دلیلی بر نقص دین اسلام است؛ و این در حالی است که دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است.

● **فرض دوم نیز صحیح نیست؛** زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از رسول خدا ﷺ نه تنها از بین نرفت، بلکه افزایش هم یافت؛ زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن‌گونه که پیامبر اداره می‌کرد، اداره نماید، افزون‌تر می‌شد.

علاوه بر اینکه اصولاً حکومت و اداره جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام‌شدنی و پایان‌پذیر نیست و همواره جامعه نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه رسول خدا ﷺ را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید.

● **بنابراین، تنها فرض سوم، منطقی و قابل قبول است؛** یعنی رسول اکرم ﷺ به فرمان خداوند، با تعیین جانشین، به تداوم تعلیم و تبیین دین و دوام حکومت پس از خود به شکل «امامت» فرمان داده و مانع تعطیلی این دو مسئولیت شده است.

فیلم (۱): آیا پیامبر اکرم ﷺ که درباره جزئی‌ترین مستحبات سخن گفته، تکلیف جامعه پس از خودش را مشخص

نکرده‌است؟

تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شد، این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت؟

از آنجا که امام همه مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، بنابراین، باید همان صفات و ویژگی‌های پیامبر را نیز داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی‌های او را بپذیرند. از جمله این ویژگی‌ها «عصمت» است. البته تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست؛ یعنی انسان‌ها نمی‌توانند تشخیص دهند که چه کسی معصوم است و مرتکب هیچ گناهی نمی‌شود. بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می‌شود، تنها خداوند است که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند و به مردم بشناساند.

با تدبر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام درمی‌یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به جانشینی رسول خدا ﷺ و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده و نیز امامان معصوم علیهم السلام پس از ایشان را معرفی کرده است. در اینجا به برخی از آیات و روایات مربوط به این مسئله می‌پردازیم.

۱- نزول آیه انذار: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۱ **خویشان نزدیکت را انذار کن.**

برای انجام این دستور، رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به دین اسلام فراخواند و از آنان برای ترویج و تبلیغ اسلام، کمک خواست؛

همه مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند. در میان سکوت آنان، علی بن ابی طالب علیه السلام که در آن زمان، نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا».

درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله، سه بار مطرح شد و هر بار، همه سکوت کردند و تنها علی علیه السلام قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله دست آن حضرت را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود».^۲

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

۲- تاریخ طبری، جریر طبری، ج ۲، صص ۶۳ - ۶۲؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۶، ص ۳۹۷ برای مطالعه کامل داستان، به کتاب «سلام بر خورشید» از سید علی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.

به نظر شما تعیین جانشین توسط پیامبر ﷺ آن هم در شرایطی که ایشان هنوز موفقیتی کسب نکرده بود و حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، چه پیام‌هایی در برداشت؟

۲- نزول آیه ولایت: در یکی از روزها، فرشته وحی از جانب خداوند آیه‌ای بر پیامبر نازل کرد

که در آن ویژگی‌های ولی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

وَالَّذِينَ آمَنُوا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۱

همانا ولی شما فقط خداوند و رسول او

و کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند.

همان ایمان آورندگانی که نماز را بر پا می‌دارند

و در حال رکوع زکات می‌دهند.

با نزول این آیه، رسول خدا ﷺ دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده و کسی در رکوع صدقه داده است و خداوند قصد معرفی او را دارد؛ با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

چه کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشتی در دست داشت، به حضرت علی علیه السلام که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت: این مرد در حال رکوع، انگشت خود را به من بخشید.

مردم که از محتوای آیه با خبر شده بودند، تکبیر گفتند و رسول خدا ﷺ نیز، ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

نزول این آیه در چنین شرایطی و اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام از جانب رسول خدا ﷺ، برای آن بود که مردم با چشم ببینند و از زبان پیامبر بشنوند تا امکان مخفی کردن آن نباشد.^۲

دانش تکمیلی

با توجه به اینکه امام علی علیه السلام در نماز حضور قلب داشتند، چگونه متوجه درخواست فقیر شدند؟ برای مشاهده پاسخ این سؤال به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۱- سوره مائده، آیه ۵۵.

۲- بیشتر مفسران و مورخان اهل سنت و شیعه، از جمله طبری، رازی، ثعلبی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر، این آیه را درباره امام علی علیه السلام دانسته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب الغدير از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

۳- حدیث جابر : در یکی از روزها، در مدینه، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آیه ۵۹ سوره نساء را برایشان خواند که قسمتی از آن چنین است :

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا
أَطِيعُوا اللَّهَ
وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...
ای مؤمنان،
از خدا اطاعت کنید
و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید.

معمولاً وقتی آیه‌ای نازل می‌شد و حکم کلی موضوعی را بیان می‌فرمود، یاران رسول خدا ﷺ نزد ایشان می‌آمدند و جزئیات حکم را می‌پرسیدند. مثلاً وقتی که آیات نماز نازل شد، یاران ایشان می‌خواستند چگونگی نماز خواندن را بدانند از این رو، پیامبر اکرم ﷺ به مسجد آمد و به آنان فرمود : «این گونه که من نماز می‌خوانم، شما هم بخوانید».^۱ آن‌گاه نماز خواندن را به آنان تعلیم داد. وقتی این آیه هم نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت : «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولی الامر» را نیز بشناسیم.» رسول خدا ﷺ فرمود :

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی؛ و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می‌باشد که هم نام و هم کنیه من است.^۲ اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبت او طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند».^۳

فیلم (۲) : سروده‌ای در مدح اهل بیت علیهم السلام 

ارتباط میان آیه و حدیث

با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

- ۱- مسلمانان باید از ، و اطاعت کنند.
- ۲- از آنجا که این سه اطاعت در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ سربیزی از هر مورد است.

۱- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، جزء ۸، ص ۹.
۲- در فرهنگ و آداب و رسوم عرب برای افراد علاوه بر اسم، لقب و کنیه می‌گذارند و برای احترام شخص را با کنیه و یا لقب صدا می‌زنند. کنیه پیامبر «ابوالقاسم» و لقب ایشان «امین» است.
۳- کفایة الاثر، خزاز رازی، چاپ قدیم، ص ۸؛ بنایع الموده، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، ص ۴۹۴ و اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳- از آنجا که مصداق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آنها لازم است که رسول خدا ﷺ

۴- بنا بر سخن پیامبر اکرم ﷺ کسانی که مصداق هستند، عبارت اند از :

۴- **حدیث ثقلین** : پیامبر اکرم ﷺ به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می فرمود :

﴿﴾ اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ التَّقْلِیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِیْ اَهْلَ بَیْتِی مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوْا اَبَدًا وَ اِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ ^۱	من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم : کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را . اگر به این دو تمسک جویند هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند .
--	--

تفکر در حدیث

با تفکر در این حدیث، این پیام ها استخراج می شود :

۱- همان طور که قرآن و پیامبر از هم جدا نمی شوند، قرآن و اهل بیت علیهم السلام نیز همواره با هم اند.

۲- همان طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی است.

۳- در صورتی مسلمانان گمراه نمی شوند که

۴- نمی توان برای هدایت و سعادت اخروی، فقط از یکی از دو یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کرد؛

بلکه باید

۵- **حدیث منزلت** : وقتی خداوند حضرت موسی علیه السلام را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت

از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد.

خداوند نیز درخواست حضرت موسی علیه السلام را پذیرفت^۲ و او را مشاور و وزیر وی قرار داد.

پیامبر اکرم ﷺ نیز بارها به حضرت علی علیه السلام فرمود :

۱- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ج ۴، ص ۱۸۷۳، روایت شماره ۲۴۰۸؛ این حدیث متواتر است و آن قدر از علمای اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب امام شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳، مراجعه کنید.

۲- سوره طه، آیات ۲۹ تا ۳۵.

أَنْتَ مِثِّي

تو برای من

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى

به مانند هارون برای موسی هستی؛

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي^۱

جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.

۶- حدیث غدیر : پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را به جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان^۲ برگزار شد، به «حَجَّةُ الْبَلَاغِ^۳» و «حَجَّةُ الْوَدَاعِ» مشهور است. در این حج، هزاران نفر شرکت کرده بودند، تا روش انجام دادن اعمال حج را از رسول خدا ﷺ فراگیرند و حج را با ایشان به جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه، در روز هجدهم ماه ذی الحِجَّة، در محلی به نام غدیر خم این آیه نازل شد :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ

ای رسول،

بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان،

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ

و اگر چنین نکنی،

فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

رسالتش را ادا نکرده‌ای

وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

و خداوند تو را از مردمان حفظ می‌کند؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۴

خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

تدبّر در قرآن

در آیه بالا، تدبّر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- خداوند چه فرمانی به پیامبر می‌دهد؟

۲- اهمیت این فرمان چقدر است؟

۳- چرا خداوند به پیامبر اکرم وعده می‌دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. آن حضرت در قسمتی از سخنرانی از مردم پرسید :

۱- علامه حسینی تهرانی رحمته الله علیه در جلد دهم امام‌شناسی می‌گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است. همچنین : بنایع المودة، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، باب ۶، ص ۵۰.

۲- واقعه غدیر هفتاد روز قبل از وفات پیامبر اتفاق افتاد.

۳- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۰۳ و الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۱.

۴- سوره مائده، آیه ۶۷.

أَيُّهَا النَّاسُ

ای مردم،

مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

چه کسی به مؤمنان سزاوارتر است؟^۱

گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.

سپس فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ

هر کس که من ولی و سرپرست اویم،

فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

علی نیز ولی و سرپرست اوست.

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن،

مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.^۲

فیلم (۳): حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سخن بزرگان اهل سنت 

تفکر در حدیث

دربارهٔ واقعهٔ بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

(الف) چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟

(ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟

(ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پس از پایان مراسم، نشانه چیست؟

(د) چرا کلمه «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟

عصمت ائمهٔ اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

از آنجا که امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و دیگر امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دو مسئولیت رهبری و مرجعیت دینی مسلمانان را پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر عهده دارند، ضروری است که آنان نیز مصون از گناه و خطا باشند. چنان‌که توضیح داده شد، ضرورت داشتن این ویژگی، یکی از دلایل معرفی امام از جانب خداست. در آياتی از قرآن کریم و سخنان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این مسئله اشاره شده است. یکی از آنها نزول آیهٔ تطهیر است. اُمِّ سَلَمَةَ، همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: روزی ایشان در خانه استراحت می‌کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ وارد شد و سلام کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ داد و ایشان را به کنار خود

۱- یعنی، چه کسی بر آنها ولایت و سرپرستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کنند؟

۲- واقعه غدیر را اندیشمندان با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام ۳۵ نفر از آنها در کتاب «الغدیر» آمده است. الغدیر کتابی است که علامه امینی آن را نگاشته است.

دعوت کرد. پس از وی حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام آمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان این گونه دعا کرد:

«خدا یا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»^۱

در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد.

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا ^۲﴾

همانا خدا اراده کرده که دور گرداند
از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی^۲ را
و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد.

با تفکر در این آیه درمی یابیم که:

- ۱- این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر را در بر می گیرد که مقام عصمت دارند؛ یعنی در اینجا افراد خاصی از اهل بیت مورد نظر است و شامل سایر بستگان پیامبر نمی شود.
- ۲- چون این تعداد خاص معصوم اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دین و بیان کننده دستورات الهی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه حضرت فاطمه علیها السلام می گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.^۳ تذکر: از آنجا که در زمان نزول این آیه از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتند، در این واقعه تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده اند.

نتیجه گیری

با بررسی این آیات و احادیثی که گفته شد، روشن می شود:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با هدایت و راهنمایی خداوند، حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده دار مسئولیت امامت اند.

ب) لازمه این مرتبه از جانشینی، علم کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دو ویژگی را دارا بود.

ج) حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام جزء اهل بیت است و اگرچه عهده دار امامت نبوده، اما علم و عصمت کامل دارد و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمه هدایت و رستگاری است.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- مقصود از پلیدی و ناپاکی در این آیه، گناه و آلودگی اخلاقی است.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۴- کتاب های بزرگ اهل سنت، مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن بیهقی، الدرالمثور سیوطی و أسد الغابه ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده اند (غایه المرام، هاشم بن سلیمان بحرانی، ص ۲۸۱).

